

فرهنگی است. اگر این توجیه، آگاه‌سازی و فرهنگ‌سازی به خوبی انجام شود، بزرگ‌ترین ضمانت اجرا این است که در بخش‌های مختلف در مصادر امور اجرایی، انسان‌های فرهنگی را داشته باشید. مهندس ساختمان هم قبل از اینکه مهندس ساختمان باشد، انسان است، انسان نیز فرهنگی است. اگر شخص آگاه شود، خواهد دید که به راحتی می‌تواند این‌ها را اجرا کند و چندان هم پیچیده نیست. ولی اگر کار را با الزامات متعدد، مراحل متعدد، فرم‌های متعدد و روش‌های مختلف پیچیده کند، کار در بدو امر متوقف می‌شود. به همین دلیل است که ما اصرار داریم در موضوع

هر وقت بخواهند می‌گویند: ما پیوست فرهنگی داریم و این موضوع را بزرگ می‌کنند. مثل بعضی از اداراتی که وقتی به آن‌ها مراجعه می‌کنید ادعا می‌کنند منشور تکریم ارباب رجوع دارند؛ این در حالی است که ممکن است در این ادارات بعضی از این شاخص‌ها را اصلاً نبینید

ما تجربه‌های خوبی هم داشته‌ایم. از وقتی که بحث‌های پیوست فرهنگی مطرح شده است و جلسات مختلفی با مسئولان اجرایی در استان‌های مختلف داشته‌ایم، مسئولان به این توجه می‌کنند که ملاحظات فرهنگی یک طرح چیست. واقعاً تا دیروز به این مسئله توجه نداشتند، اما امروز این طور سخن می‌گویند

داریم. وقتی این موضوع تبدیل به قانون شود، قانون می‌گوید که شما این کار را نباید انجام می‌دادید و چون انجام داده‌اید، مرتکب تخلف شده‌اید و باید با این تخلف شما برخورد شود.

آیا برخورد با تخلف باعث می‌شود که آن مشکل اصلاح یا ترمیم شود؟

قطعاً این طور ممکن نیست؛ مسلم است که وقتی آن ضربات و آن پیامدهای منفی ایجاد شد، بسیاری از این‌ها قابل جبران نباشند. اتفاقاً نکته‌ای که ما در ورود به کار به آن توجه داریم این است که نظام اقتصادی، نظام توسعه، نظام صنعت و حتی نظام فرهنگ کشور می‌خواهند با موضوع مهمی روبه‌رو شوند. ما اگر بخواهیم این موضوع را حداکثری ببینیم، در نقطه شروع با مشکل مواجه خواهیم بود. بنابراین ما باید به صورت مرحله‌ای و تدریجی این را ببینیم و به گونه‌ای عمل کنیم که امکان و ظرفیت نظام اجرایی کشور را در بخش‌های مختلف برای پیوست‌نگاری و توجه به الزامات آن آماده کنیم. اگر بخواهیم حداکثری ببینیم، مسلم است که در بدو امر این کار هم پیوست‌نگاری و هم پروژه را با اختلالات جدی مواجه خواهد کرد. بنابراین باید بر اساس اصل تدریج، مرحله به مرحله از اهم به مهم برویم. باید به سمت اجرایی کردن گام به گام پیوست‌نگاری در نظام اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی به عنوان یک امر الزامی، قانونی، اخلاقی و رفتاری پیش برویم و آن را به گفتمان مسلط و غالب تبدیل کنیم. آن وقت دیگر شخص به صورت خودکار نسبت به آثار و پیامدهای مثبت و منفی کار انجام‌دهی دهد.

... یعنی در هنگام اجرای پروژه‌های اقتصادی، نگاه پیوسته و استمراری نسبت به مسایل فرهنگی داشته باشند. در غیر این صورت ممکن است کاری انجام شود که از نظر ظاهری بسیار مورد تأیید باشد، اما از نظر ماهیتی تأیید نشود

معدل همه را بگیریم و طرح را به انجام برسانیم. اگر نگاه ما به مسئله یک طرفه و تک بعدی باشد، منجر به ایجاد مشکلاتی برای جامعه می‌شود. همان طور که گاه بر اجرای بعضی از طرح‌ها و پروژه‌ها که اصلاً پیامد منفی هم ندارد، تأکید و اصرار می‌شود؛ پروژه‌هایی که منجر به هدر رفتن سرمایه‌های کشور می‌شود و بارها این اتفاق افتاده است؛ به عنوان مثال بیمارستانی در جایی ساخته می‌شود که هیچ منفعتی ندارد و نمی‌توانند آن را به سرانجام برسانند. همین حالا هم ممکن است پروژه‌هایی را پیدا کنیم که خارج از ضوابط اجرا شده و عملاً منافع اقتصادی را نیز به دنبال نداشته است.

اینکه مقام معظم رهبری می‌فرمایند: "فرهنگ باید در رأس امور باشد" و از مظلومیت فرهنگ سخن می‌گویند به این دلیل است که ما می‌خواهیم در آخر کار به فرهنگ توجه کنیم. بنابراین اگر در هنگام اجرای پروژه‌های همه مسائل دیده شود و آخر از همه فرهنگ باشد، این همان استمرار مظلومیت فرهنگ است. اینکه ما به توسعه و پیشرفت همه چیز توجه کنیم اما به توسعه و پیشرفت فرهنگ توجه نکنیم، مظلومیت فرهنگ را نشان می‌دهد. اگر الزامی بر انجام یک طرح وجود داشته باشد، با وجود تأثیرات منفی فرهنگی آن، باید تصمیم‌گیری توسط گروهی از مسئولان صورت گیرد که خاصیت پیشگیری ثانویه را داشته باشد. چون گاهی اوقات ضرورت ایجاب می‌کند که کاری انجام شود. در شرایط اضطرار و شرایط ثانویه بعضی از کارها مجاز می‌شوند؛ یعنی در حکم اولیّه ممنوع هستند اما در حکم ثانویه واجب‌الاجرا می‌شوند. البته باید برای مسایل و پیامدهای فرهنگی آن تدبیر وجود داشته باشد. در نظام‌نامه این موضوع پیش‌بینی شده است که جمعی و گروهی مجوز آن را بدهند؛ یعنی اگر برای اجرای یک طرح مجوزی صادر شده است، بدون پیش‌بینی یا با پیش‌بینی آثار آن طرح، قصور و تقصیر وجود داشته است و باید با آن‌ها برخورد شود. ولی ما هنوز در این شیوه‌ها که در مسایل فرهنگی بتوانیم مقصّر را پیدا کنیم و کسی را که نسبت به عواقب و تأثیرات منفی کوتاهی کرده مؤاخذه کنیم، عقب هستیم و سابقه کمی برای این کار



پیوست فرهنگی با شبی ملایم و به صورت تدریجی، با فرهنگ‌سازی، با الزامات قانونی و مهم‌تر از همه با الزامات فرهنگی و اخلاقی به سمت تدوین آن پیش برویم. باید همه اقشار، پیوست فرهنگی مخصوص خود را داشته باشند. باید هر خانواده و هر فردی برای خود یک پیوست فرهنگی و یک چشم‌انداز فرهنگی داشته باشد. باید رسانه‌ها برای خود پیوست فرهنگی و چشم‌انداز فرهنگی داشته باشند. باید هر